

برخوردار است. اساس بنای آن به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد. برخی نوشته‌اند که ریشه و اساس آن مربوط به دوره کیانیان است؛ مهندسان رومی، سنگ‌های زیرین مثلث خروجی را که برای کم نمودن قوه آب است، به کار برده و مانند کشتی‌های زیر جسر ساخته‌اند. به عهد هر سلطانی، در آن بنیانی افزوده و تعمیر شده. از آن جمله در دولت امیر خسن و فرمانروایی سلطان خلیل یا برادرش (سلطان یعقوب) و دیگر تراکمه آق‌قویونلو، تعمیراتی در آن انجام یافته است. در دوره صفویان و ایام زمامداری شاه عباس کبیر، طبقه دوم بالای پل ساخته شده و در زمان بیگلربیگی گری صدر اصفهانی، روی مرتبه فوقانی، بالاخانه‌ی به نام وی ساخته شد که در ۱۳۱۰ قمری، اجزای ظل‌السلطان، آن را خراب کردند. دو اتاق نقاشی محیرالعقول، بالای طبقه دوم نیز در زمان صفویه تزیین و تعمیر شده. در بالای پل خواجو، کاشی کارهای خوبی بود که بسیاری از رونود ربودند. در ۱۰۷۷ قمری، سال فوت شاه عباس دوم، تعمیر و بنایی روی این پل انجام گرفت: تاریخ اصفهان، جابری انصاری، ص ۱۰۷، ۱۲۱، ۱۲۲؛ الاصفهان، ص ۲۲۷، ۵۲، ۴۹، ۱۶.

۳. مدرسه مریم بیگم، واقع در محله حسن‌آباد اصفهان و در ابتدای محله خواجو و در بازارچه چهارسوق نقاشی که در آغاز، کاروان‌سرای مخروبه بود و مریم بیگم صفوی، آن را خریداری کرد و در جای آن مدرسه‌ای بنا نمود و آن مدرسه، به نام وی نامیده شد. طول و عرض این مدرسه ۶×۶۰ ذرع، و به قولی مساحت کل آن نزدیک به ۷۵۰ ذرع، و به قولی دیگر چهارجریب است. مریم بیگم، پس از ساخت آن، موقوفاتی برای آن تعیین کرد که این موقوفات در اصفهان، تبریز، بسطام، قزوین و برخی شهرهای دیگر بودند که برای تعمیرات و توسعه مدرسه و حقوق طلاب مدرسه، مصرف می‌شد، اما به دلایلی از جمله، شرایط سخت و مشکل و قفنامه و خرابی محله‌های حسن‌آباد و خواجو، این مدرسه نیز، خالی از سکنه و طلاب شد و به مرور زمان مخروبه گردید. در زمان رضاخان پهلوی، آن را خراب کردند و به جای آن، دبستانی جدید ساختند: تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۲۱، ۱۴۰؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۲۹۴/۳-۲۹۹؛ نصف جهان در تعریف اصفهان، اریاب، ص ۵۰، ۵۲، ۷۲؛ الاصفهان جناب، ص ۶۸؛ تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۲۹۸-۳۱۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان.

۴. مریم بیگم (زنده ۱۱۱۵ ق/ ۱۶۰۶ م) دختر شاه صفی و خواهر شاه سلطان حسین صفوی، از زنان مقتدر و نیکوکار آن روزگار. در برخی از منابع، وی را دختر شاه سلیمان صفوی نوشته‌اند که منظور همان شاه صفی است؛ (نک: منابع پیشین).

۵. در اصل ۱۰۱۵ است که به احتمال قوی اشتباه است؛ زیرا جابری انصاری در مورد آن چنین نوشته است: «... آن مدرسه قریب سه جریب و نیم، در چهارسوق نقاشی و سردرش کاشی خط [ثلث علینقی امامی، مورخ به سال ۱۱۱۵ است]». و باز همو نوشته است: «مدرسه مریم بیگم در ۱۱۰۵ به شاهی سلطان حسین بنان شده» به این ترتیب تاریخ کتیبه سردر مدرسه نمی‌تواند ۱۰۱۵ باشد، مگر اینکه کتیبه را مربوط به تاریخ بنای کاروان‌سرایانیم که احتمال دارد در ۱۰۱۵ قمری ساخته شده باشد؛ (نک: تاریخ اصفهان، ص ۱۳۱، ۱۴۰).

۶. تاریخ وقف‌نامه‌های این مدرسه که در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان آمده به این شرح است:

- الف. کتیبه سردر مدرسه مریم بیگم که اکنون در موزه ایران باستان، در تهران موجود است و به خط علینقی امامی است، مورخ ۱۱۱۵ قمری می‌باشد و به این ترتیب تاریخ ۱۰۱۵ قمری، درست به نظر نمی‌رسد.
- ب. دو لوح سنگی به خط علینقی امامی، مورخ ۱۱۱۶ قمری را که نشان دهنده آن است که مدتی بعد از بنای مدرسه، نوشته شده است.

الرحلة الاصفهانية

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)

تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش سوم

لباب سیر [یوم السبت^۱] التاسع من ربيع الاول سنة ۱۳۵۰.

فی الايات عن تخته فولاد من طریق پل خواجو^۲.

[مدرسه مریم بیگم؛^۳]

انها عمّرت بامر مریم بیگم بنت الشاه صفی الصفوی^۴.

[تاریخ] کتیبه سردر مدرسه، سنه ۵۱۱۵ هجری است.]

[و تاریخ] کتیبه مدرسه مریم بیگم، سنه ۶۱۱۶ هجری است.]

[الباباء السبعة:]

۱. در اصل: «لباب سیر شنبه»، که برای هماهنگی با دیگر سرفصل‌ها، «یوم السبت» آورده شد.

۲. پل خواجو، بر روی زاینده رود ساخته شده و از پیشینه تاریخی زیادی

- ۷۱۶ ق/ ۱۳۱۶ م) معروف به «سقلا» که مخفف همان عقلانی است. عارف، صوفی و زاهد که در مقبره منارجنبان مدفون است و در بخش اول به آن اشاره کردیم.
۵. ابوالقاسم محمد، معروف به «باباقاسم» (متوفی به سال ۷۴۰ ق/ ۱۳۳۹ م) از عارفان عامه که شرح حال وی ارجای خود خواهد آمد.
۶. بابا یحیی (متوفی به سال ۱۱۵۳ ق/ ۱۷۴۰ م) از عارفان مشهور اصفهان که شرح حال وی در شرح تکیه بابارکن الدین گذشت.
۷. شیخ علی بن محمد باقر بن محمد تقی بن عبدالرحیم رازی تهرانی اصفهانی (۱۲۷۱-۱۳۱۸ ق / ۱۸۵۴-۱۹۰۰ م) معروف به «ثقة الاسلام» و «مسجد شاهی» فقیه اصولی و از مجتهدان و مراجع معروف اصفهان. او در اصفهان دیده به جهان گشود و پس از فراگیری مقدمات علوم، نزد پدر خود و دیگران، به نجف اشرف عزیمت کرد؛ در آنجا نزد شیخ مهدی نجفی، میرزا حبیب الله رشتی، میرزای بزرگ شیرازی و شیخ راضی نجفی دانش آموخت و به مقام اجتهاد نائل شد. سپس به اصفهان بازگشت و در آنجا به تدریس، تألیف و اقامه جماعات و ارشاد مردم مشغول گردید. وی آثار خیریه‌ای از خود به جای گذاشت که از آن جمله، همین مدرسه علوم دینی است. سرانجام در روز سه‌شنبه چهارم شعبان ۱۳۱۸، دیده از جهان فرو بست و جنازه‌اش، به نجف اشرف انتقال یافت و در کنار قبر برادر خود، شیخ محمدحسین، به خاک سپرده شد. او دارای آثار و تألیفات است که از آن میان می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: لسان الصدق (فارسی، در مواعظ)، حاشیه مجمع المسائل؛ رساله فی الولایات و رسائل دیگری به فارسی در اصول دین، گناهان کبیره، مناسک، آداب نماز شب و جز اینها، که بیشترشان چاپ شده است؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۳؛ الاصفهان، ص ۶۸؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۱۳۴۸/۲؛ تذکره الذریعة، ۸۷، ۴/۱۱، ۳۰، ۱/۱۶، ۲۵۹/۱۷، ۲۶۷/۲۲، ۱۴۲/۲۵، ۲۱۹؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۲۹۲/۳-۲۹۳.
۸. مدرسه ثقة الاسلام مسجد شاهی، واقع در محله حسن آباد که گویا در مکان این مدرسه، پیش از آن نیز، مدرسه‌ای بوده است که ساروتقی وزیر شاه صفی و شاه عباس دوم، در حدود نیمه دوم سده یازدهم هجری، ساخته بود، اما به مرور زمان خراب شده بود، تا اینکه مرحوم ثقة الاسلام، در سال ۱۳۱۷ قمری، آن را تجدید بنا کرد. مساحت این مدرسه، یک جریب و نیم، به طول و عرض چهل متر مربع با ۲۵ حجره که تعداد طلاب ساکن در آن نیز، در ۱۳۴۶ قمری، چهل نفر بوده‌اند. مدارس آن در سمت شمال مدرسه قرار داشت و در پیشانی مدرس، اشعاری از ظفر شاعر معروف آن زمان بر روی کاشی نوشته شده که ماده تاریخ بنای ساختمان، (سال ۱۳۱۷ قمری)، را نشان می‌دهد. این مدرسه در طرف جنوبی مسجد ساروتقی واقع شده است؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۲۹۲/۳-۲۹۳؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۳۹، ۱۴۳.
۹. میرزا محمد تقی بن میرزا هدایت الله تبریزی اصفهانی، ملقب به «اعتمادالدوله» و مشهور به «ساروتقی» (متوفی به سال ۱۰۵۵ ق/ ۱۶۴۵ م) وزیر شاه صفی و شاه عباس دوم صفوی، مردمی کارداران و با کفایت و دلیر بود و به علت رشادتش، وی را «ساروتقی» می‌گفتند؛ که به معنای شیرتقی می‌باشد. وی به دلیل همین رشادت و استعداد و کاردانی، به مقام صدارت رسید و خدمات بزرگی انجام داد و آثار خیریه‌ای بنا نهاد که از آن جمله، مسجد، مدرسه، بازار و کاروان‌سرا بود. او به دست جانی خان کشته شد. قبرش در محله خواجو در امامزاده سید علی قرار دارد؛ تاریخچه محله خواجو، ص ۶۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۱۶؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۵۰-۳۵۱؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۲۹.

- مقبره بابا^۱ بدلاء^۲، احدالباباءات السبعة المدفونین باصهبان و هم؛ بابارکن الدین^۳ و بابا عبدالله سقلا^۴ و باباقاسم^۵ و بابا یحیی^۶ و بابا بدلاء، احدها بابا رکن الدین فی تخته فولاد.
- مدرسه مرحوم ثقة الاسلام مسجدشاهی^۷، تاریخ اتمام، سنة ۱۳۱۷ [هجری] ۲۴ حجره و یک مدرس^۸ [دارد].
- مسجد واقع قریب تلك المدرسة، بنی بامر اعتماد الدولة المیرزا محمدتقی^۹، من امراء الدولة السلطان الشاه عباس الصفوی الثاني، ابوالمظفر السلطان بن السلطان بن السلطان و تاریخ اتمام، سنة ۱۰۱۸ [هجری] ۲۴ حجره و یک مدرس^۸ [دارد].
۱. در سده‌های هفتم و هشتم هجری، در ایران و بویژه در اصفهان، گروهی از عارفان و بزرگان اهل تصوف به «بابا» شهرت داشته‌اند و برخی از آنان که در اصفهان، سکونت داشته و در آنجا درگذشته‌اند، عبارتند از: باباشیخ احمد در قریه سهر و فیروزان از بلوک لنجان؛ بابا الهی در مقبره طوقچی؛ بابا الله در محله جویباره؛ بابا امیر که یکی از باغ‌های چهارباغ به او منسوب است؛ بابا بدلاء که در مورد آن توضیح خواهیم داد؛ بابا بیات، مدفون در اواخر گورستان تخت فولاد که اکنون جزو فرودگاه اصفهان است؛ باباتوتا (توتاب) در محله جویباره؛ باب جوزا در نزدیکی شاه میر حمزه؛ بابا حسن در کوچه شله‌رنگ کن‌ها؛ باباشیخ حسین، نزدیک قریه پوده سمیرم؛ بابادنبه در پشت باغ نو؛ بابا رکن الدین؛ بابا سرخ؛ بابا سفید در اطراف اصفهان؛ بابا سلطان؛ بابا سنگی، پشت مسجد جامع؛ بابا شهاب الدین در قریه آزادان؛ بابا شیر در بازار حسن آباد؛ بابا صلت در مقبره طوقچی؛ بابا عباس؛ بابا عبدالله در قریه خوزان سیده ماربین؛ بابا عبدالله، پشت مسجد سلام؛ بابا عبدالله در لنجان؛ بابا عریان در مقبره طوقچی؛ بابا علمدار در محله الیاداران؛ باباشیخ علی در لنجان؛ باباقادر در مقبره طوقچی؛ باباقاسم؛ بابا لنگر در نزدیکی آوژ در بلوک کرون؛ بابا لکات در تخت فولاد؛ بابا متکا؛ بابا محمود در لنجان؛ بابا ملأ در قریه ازیران رویدشت؛ بابانوش، نزدیک سنبلستان؛ بابا وحیدی (اوحدی) در لنجان؛ بابا یحیی در تکیه بابا رکن الدین در تخت فولاد؛ باباشاه عراقی؛ بابا محمد علی و بابا قلندر. تمامی این باباها در اصفهان بوده‌اند و در همان‌جا نیز در گذشته‌اند. در زمان صفویان، کسانی که صاحب تکیه و خانقاه بوده‌اند نیز «بابا» خوانده می‌شده‌اند؛ مانند باباحسینی که مدتی در حیدری خانه بود و باباسلطان قلندر که شاه عباس، بابایی تکیه حیدر، واقع در چهارباغ اصفهان را به او داده بود. تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۶۴؛ تذکره نصرآبادی، ص ۱۴۰، ۲۸۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۴.
۲. بدلاء، در اصل عنوانی است برای گروهی از اولیاءالله که در عالم فقط هفت تن بوده‌اند و آنان غیر از ابدال هستند که تعدادشان هفتاد نفر است و بابا بدلایی که در اینجا ذکر شده، یکی از باباهای هفتگانه معرفی شده و معلوم نیست که جزو بدلاء هفتگانه است یا خیر. به هر حال وی در محله دروازه حسن آباد اصفهان، دارای بقعه و بارگاه و مقبره است؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل کلمه «بدلاء»؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۶۴؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۲.
۳. بابارکن الدین مسعود بن عبدالله انصاری جابری بیضاوی فارسی (متوفی به سال ۷۶۹ ق/ ۱۳۶۷ م) عارف نامدار سده هشتم هجری که یکی از باباهای هفتگانه مدفون در اصفهان، در گورستان تخت فولاد است که شرح حال وی پیش از این در بخش نخستین این سفرنامه، به تفصیل ذکر شد.
۴. بابا عبدالله یا عمو عبدالله عقلانی، فرزند محمد بن محمود (متوفی به سال

۱۰۵۳، [الهجرية] والكتيبة بخط الميرزا محمدتقی الامامی^۱.

[روضه الامامزاده احمد:]

[روضه] الامامزاده احمد^۲، تاریخ تعمیره زمن السلطان الشاه سلطان حسين الصفوی و تاریخه سنة ۱۱۱۵ [الهجرية] بخط احمد الحسينی و ينسب هذه الروضة^۳ الى احمد بن علي بن مولانا الباقر (ع) و عند قبر امامزاده حجر منقوش في اطرافه هذه العبارة: «آمين يا رب العالمين في تاريخ الخامس عشر من ربيع الاول سنة ثلاث و ستين و خمسمائة (۵۶۳)، حدثني الاستاذ فرج الله، انه حجرجاء به سلطان محمود الغزنوي، من سومات هند و كان على هذا الحجر، صلصلم كسره و كان عليه خطوط، كانه موارد ضرب؛ قال الاستاذ فرج الله، انها موارد ضرب سيوف المسلمين في سومات و آلتهم لكسر الاصنام، والله العالم و تعمیر ضريحه من ظل السلطان بن ناصرالدين شاه قاجار.

و في بقعة امامزاده احمد، قبر الميرزا محمد الشاعر، المتخلص [ب] «خجسته»^۴ المتوفي سنة ۱۱۹۰ [الهجرية] و له ديوان شعر.

و في صحنه قبر آقاسليمان خواجهباشي، و فاته سنة ۱۲۰۲ [الهجرية].
مدرسة مشهورة بعربان^۵؛ عدد الحجر ۲۵، قريبه^۶ الى الخراب.

۱. مسجد ساروتقی، از مساجد دوره صفویه است و در محله حسن آباد، در نزدیکی مدرسه فعلی ثقة الاسلام مسجد شاهی و به محاذی ضريح امامزاده احمد قرار دارد. سردر آن به نام شاه عباس دوم است به سال ۱۰۵۳ قمری، و تذهیب سقف داخلی گنبد کار استادان بزرگ نامی است. مساحت آن بیش از یک جریب و در ۱۰۷۷ قمری نیز، تزئینی بر آن افزوده‌اند؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۲۹، ۱۴۳.

۲. احمد بن علی بن امام محمدباقر (ع) و یا سیداحمدبن سیدبن سیدمعصوم معروف به «امامزاده احمد» از نوادگان امام پنجم (ع). سال تولد و مرگ وی دانسته نیست و از زندگی وی نیز اطلاع دقیقی در دست نیست. پدر وی علی بن امام محمدباقر (ع) از بزرگان راویان و محدثان بود و قبر وی در نزدیکی کاشان دارای گنبد و بارگاه است. امامزاده احمد، دارای مقام علم و تقوا بوده و در اصفهان دیده از جهان فرو بسته و در بقعه و بارگاهی که در محله دروازه حسن آباد است، به خاک سپرده شده است؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ رجال اصفهان، ص ۱۷۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ص ۵۱۰/۱-۵۱۸؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، مقدمه، ص ی؛ ریاض العلماء، ۲۱۷/۴؛ منتهی الامال، ۸۰/۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۹۵-۹۶.

۳. بقعه امامزاده احمد، در محله حسن آباد و در کوچه امامزاده احمد واقع است. وی به قولی به امام زین‌العابدین و به قولی دیگر به امام محمدباقر منسوب است. ساختمان امامزاده عبارت است از بقعه کوچکی با گنبدی محقر بدون کاشی‌کاری و در داخل حرم کتیبه‌ای گچ‌بری شده وجود دارد که بر روی آن، سوره «صافات» و قسمتی از سوره «دهر» نوشته شده و مربوط به دوره صفویه است. قدیمی‌ترین تاریخ آن ۵۶۳ قمری، مصادف با زمان سلطان ارسلان بن طغرل و دوره وزارت جلال‌الدین بن قوام‌الدین است. مجموعه بنای امامزاده احمد، مشتمل بر یک بقعه و دو ایوان، یکی در شمال و دیگری در غرب است. بقعه مشرف به جاده است و صحن وسیعی دارد که عده‌ای از بزرگان از جمله‌های شیرازی در آن مدفون شده‌اند. خود آرامگاه به شکل مربع به اندازه چهار قدم از

زمین بلندتر است. قدیمی‌ترین اثری که در این عمارت وجود دارد. سنگ سیاه رنگی به درازی ۳ متر است که در آستانه امامزاده در پایین پنجره مشبک چوبی مشرف به جاده قرار دارد.

جابری انصاری، نوشته است که در گذشته، پشت به دیوار ضریح و روبه ارسی منظر این محل، قطعه سنگی دیگر بود که بر روی آن این عبارت نوشته شده بود: «تجدید عمارت مزار امامزاده سیداحمدبن سیدعلی بن سیدمعصوم از اولاد امام محمدباقر (ع) کترین خادمان: شاه قلی بن علی قلی بن علی برزین، به سال ۵۳۷ نمود با سال رحلت». سپس نوشته که بلندی آن سنگ منصوب سیاه به دیوار، عشری کمتر از یک متر و عرض آن نیم ذرع بود و آن را بعضی سنگ الماس سیاه می‌دانستند که در سال ۱۳۰۷ شمسی، شبانه آن را دزدیدند و فروختند و راهی اروپا شد. محدث قمی، به نقل از «ریاض العلماء» نوشته است که: سنگی در بقعه است به خط کوفی که بر آن چنین نوشته شده: «بسم الله الرحمن الرحيم كل نفس بما كسبت زهنته؛ هذا قبر احمد بن علی بن محمدباقر - علیه السلام - و تجاوز عن سيئاته و الحقه بالصالحين».

ساختمان بقعه، اکنون یکی از آثار باستانی اصفهان است. تعداد هشت کتیبه در سردر، ایوان، بقعه، اطراف ضریح و سقاخانه آن موجود است که قدیمی‌ترین آنها دارای تاریخ ۱۱۱۵ قمری و جدیدترین آنها مربوط به سال ۱۳۲۱ قمری است؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۷۱؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، مقدمه، ص ی؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۵۱۶/۱-۵۱۸؛ ریاض العلماء، ۲۱۷/۴؛ منتهی الامال، ۸۰/۲؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۷۳ به بعد؛ بناهای آرامگاهی، ص ۹۵-۹۶؛ آثار ملی اصفهان، ص ۷۴۲-۷۴۷؛ هنر ایران گذار، ۲۱۶/۴-۲۱۷؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، نیکزاد، ص ۸۸-۸۹؛ آشنایی با شهر تاریخی اصفهان هنر فر، ص ۱۵۲.

۴. میرزا محمد متخلص به «خجسته» (متوفی ۱۱۹۰ق/ ۱۷۷۶م) ادیب و شاعر اصفهانی. از تاریخ تولد و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. گویا صاحب دیوان بوده است. وی در صحن امامزاده احمد، جنب مسجد شاه اصفهان مدفون است؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۷۱؛ الذریعة، ۲۹۰/۱/۹؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «خجسته»؛ اثر آفرینان، ۳۳۹/۲.

۵. مدرسه عربان، واقع در محله حسن آباد، بالاتر از بقعه امامزاده احمد، یکی از مدارس قدیمی اصفهان است که تاریخ بنیان آن به پیش از دوره صفویه برمی‌گردد و چون در زمان صفویان، بیشتر طلاب آن را عرب زبانان، تشکیل می‌دادند، به این نام شهرت یافت. این مدرسه، هیچ‌گونه آثار تاریخی و امتیازی ندارد. طول و عرض آن به گفته جناب، هر کدام چهل ذلع است و تعدادی حجرهای آن ۲۰ عدد که در ۱۳۴۲ قمری دارای نه طلبه بوده است، اما شاردن نوشته است که این مدرسه دارای چهل اطاق است. آیت‌الله سید محمدرضا خراسانی آن را تجدید بنا کرد و میرزا حسن خان جابری انصاری درباره تاریخ تعمیر آن (۱۳۵۶ قمری)، دو بیت شعر سروده است:

چو تاریخ از جابری خواستند که باشد به تجدید بینان سزا
چو شد روشن از علم این مدرسه بگوشد «ز نور محمّد، بنا»

در سال‌های اخیر که مدرسه را از محل خیریه علی همدانیان به کلی خراب و تجدید ساختمان کردند، اما کاشی‌های سردر مدرسه که نمودار تعمیرات آیت‌الله خراسانی بود، از بین رفت؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳۱۷/۲-۲۹۳/۳؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۳۹؛ الاصفهان، ص ۶۸؛ سفرنامه شاردن، ترجمه عریضی، ص ۲۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۳.

۶. کلمه «قربیه» یعنی نزدیک به بقعه امامزاده احمد است.

و مسجد^۱ بنت زمن الصوفیة، قریبة من امامزاده احمد.

مقبرة المرحوم آقاجنقی^۲، تاریخ وفاته [۲] ۱۳۳ [الهجرية].

مدرسة الماسية^۳، استت بامر آقا الماس، زمن الصوفیة و في محرابه لوح حجری، مشتمل علی موقوفات للحاج محمدکاظم، غلام خاصة شریفة، وقفها لهذه المدرسة، سنة ۱۱۲۱ [الهجرية]، عدد الحجر ۲۶ و مدرس فوقانی و مسجد.

لباب سير يوم السبت من ربيع الاول، بعد الورود من تخته فولاد:
قبرستان طوقچی^۴.

قبر علی بن سهل^۵ في خارج طوقچی في بقعة^۶ مخصوصة به و بجنبه قبر ملاابوالقاسم الذهبی الخراسانی^۷ العارف، وفاته

۱. به احتمال زیاد، یکی از سه مسجدی است که میرزا محمد تقی ساورتقی، در محله حسن آباد بنا نهاد و این مسجد تقریباً نزدیک به محاذی ضریح امامزاده احمد است که در ۱۰۵۳ قمری بنا شده و در ۱۰۷۷ قمری نیز، تزییناتی بر آن افزوده اند: تاریخ اصفهان، ص ۱۲۹.

۲. شیخ محمدتقی بن شیخ محمدباقر بن محمدتقی بن عبدالرحیم تهرانی، معروف به «آقاجنقی» اصفهانی مسجد شاهی (۱۲۶۲-۱۳۳۲ق/ ۱۸۴۶-۱۹۱۵م) فقیه اصولی. وی در ۱۷ یا ۲۲ ربیع الثانی در اصفهان پا به هستی نهاد و مقدمات علوم را در زادگاه خود، نزد پدراستادان و دیگر آموخت و برای تکمیل معلومات و ادامه تحصیل، راهی نجف اشرف شد و در حوزه های درس میرزا محمد حسن شیرازی، شیخ راضی نجفی، حاج سید علی شوشتری، شیخ مهدی کاشف النطاء و دیگران دانش آموخت و به مقام اجتهاد رسید. سپس به اصفهان مراجعت نمود و به تدریس، ارشاد و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت کرد و بیش از نود جلد کتاب تألیف نمود که سید مصلح الدین مهدوی، اسامی شاگردان و تألیفات وی را به تفصیل آورده است. ایشان روز یکشنبه یازدهم شعبان ۱۳۳۲، دیده از جهان فروبست و در باغ صحن امامزاده احمد، در محله حسن آباد که در قدیم آن را محله باغات می خواندند، به خاک سپرده شد و بعدها جهت ایشان مقبره ای عالی با گنبد و بارگاه تهیه کرده اند: تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۱/۳۴۳-۵۳۱؛ مکارم الآثار، ۵/۱۶۶۲-۱۶۶۵؛ معارف الرجال، ۲/۲۱۴؛ ریحانة الادب، ۱/۵۷-۵۸؛ اعیان الشیعة، ۹/۱۹۶؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۱/۲۴۷-۲۴۸؛ مصفی المقال، ص ۹۵؛ الذریعة، ۱/۲۱، ۲۴، ۳۸۰، ۳۸۳، ۴۰، ۴۵، ۴۶، ۲۵۵، ۴۳۱، ۴۳۷، ۵۹/۱۹، ۳۲۲، ۷۴/۲۱؛ شرح حال رجال ایران، بامداد، ۳/۳۲۶-۳۲۷؛ علماء معاصرین، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ فوائد الرضویه، ص ۴۳۸؛ الکنی و اللواب، ۲/۶؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی از ابن مشار، ۲/۱۹۸-۳۰۲؛ الاعلام زرکلی، ۶/۲۸۸؛ دانشنامه ایران و اسلام، ۱/۱۹۸؛ معجم المؤلفین، ۹/۱۳۳-۱۳۴؛ اثر آفرینان، ۱/۵۷؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۲۵، ۱۳۷ و موارد دیگر؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۲-۱۷۵؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۶-۱۸.

۳. مدرسة الماسية، واقع در بازار چهارسوق مقصود، از آثار دوره صفویه که به وسیله شخصی به نام حاج الماس، از غلامان خاصه پادشاهان صفوی، در تاریخ ۱۱۰۴ قمری و در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی، در دو طبقه بنا شده و طول آن ۲۰ و عرض آن ۳۰ ذرع و مساحت کلی ۶۰۰ ذرع و تعداد اطاق های آن ۲۰ که در مجموع در سال ۱۳۴۲ قمری، دارای ۱۴ طلبه بوده است، اما در سال ۱۳۵۵ قمری، اداره اوقاف اصفهان آن را خراب کرد و آجرهای آن را به ثمن بخش فروخت و قصد داشت در آن عمارتی بسازد، اما پس از شهریور ۱۳۲۰ /

شعبان ۱۳۶۰، آیت الله حاج شیخ مهدی نجفی، اقدام در تصرف زمین مدرسه نمود و فوراً آن را تجدید بنا کرد و اکنون آباد و معمور است و عده ای از طلاب در آن به تحصیل مشغول هستند. این مدرسه در دو طبقه بنا شده و هیچگونه آثار تاریخی قابل ذکری ندارد، جز یک سنگ نوشته که در سال های اخیر مفقود شده است: تاریخ اصفهان، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳/۲۹۱-۲۹۲؛ الاصفهان، ص ۶۸.

۴. قبرستان طوقچی که گاهی به مزار علی بن سهل نیز، نامیده شده، در مجاورت مصلاي قدیم اصفهان قرار داشته است. این قبرستان و یا محله که در روزگاران کهن «دریه» نام داشته و بعدها به عنوان «طوقچی» خوانده شده یکی از دو گورستان بزرگ قدیم اصفهان بوده که این گورستان، گویا به محله جوباره، تعلق داشته است و قبرستانی، چهار طبقه بوده است و به قولی در این گورستان که سابقه آن به پیش از اسلام می رسد، مردگان صابن نیز، دفن می شده اند. بخشی از این گورستان را میرزا باقرخان مشیرالملک فاطمی، تصرف کرد و باقی را شهرداری خراب و مسطح نمود و در آن کشتارگاه اصفهان ساخت؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ط از مقدمه و ص ۱۳۳ به بعد؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۶۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۲۷ به بعد.

۵. ابوالحسن علی بن سهل بن محمد بن اهر اصفهانی (متوفی به سال ۲۸۰ یا ۳۰۷ ق/ ۸۹۳ یا ۹۱۹م) عارف بزرگ و نامور اصفهانی. تاریخ تولد وی دانسته نیست، اما نوشته اند که نزد جنید بغدادی، ابن معدان بناء اصفهانی و ابن حبیب دانش آموخته و کسانى مانند طبرانی، قشیری، همشاد دینوری، از او حدیث شنیده و دانش فرا گرفته اند: تذکرة الاولیاء، عطار، ۲/۹۲؛ طرائق الحقائق، ۲/۱۷۹؛ محاسن اصفهان، ص ۲۹ به بعد؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۸-۱۴۰؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۲۳-۴۳۴؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۶۹، ۲۷۷؛ دائرة المعارف تشیع، ۳/۳۵۲؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنرفر، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ سفرنامه ابن بطوطه، ص ۱۹۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۰۸؛ مجله یادگار، شماره ۸ «آثار ملی اصفهان» ص ۸۱۱-۸۱۳؛ کَشکول شیخ بهائی، ص ۱۰۷.

۶. بقعة علی بن سهل در محله طوقچی واقع شده است. از قبّه و ضریح علی بن سهل که از بزرگان عرفا بوده، با وجود موقوفات فراوان آن، اکنون اثری باقی نیست و آنچه در حال حاضر، برجای مانده، یک اتاق مختصر خشت و گلی و نوساز است. بنای قدیمی آن در تاریخ ۷۷۷ قمری از اهمیت فراوانی برخوردار بوده، چنانکه ابن بطوطه، جهانگرد معروف اندلسی، در سفر به اصفهان، به زیارت آن رفته و در آنجا مدتی منزل کرده است. وی در سفرنامه خویش نوشته است:

«در این شهر، در زاویه منسوب به شیخ علی بن سهل که شاگرد جنید بوده است، منزل کردم؛ این زاویه مورد احترام و زیارتگاه مردم اصفهان است و در آن، به مسافران غذا داده می شود و گرمابه ای عالی مفروش به رخام داد که دیوارهایش از کاشی است.»

این اتاق باقی مانده را یکی از مشایخ خاکساریه، در این سال های اخیر، به خانقاه تبدیل کرده و در آن بساط ارشاد گسترده بود که اکنون از آن نیز، اثری جز یک اتاق مخروبه باقی نمانده که بعدها نوسازی شده است: گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنرفر، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۰۸؛ دائرة المعارف تشیع، ۳/۳۷۲؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱.

۷. ملاابوالقاسم ذهبی خراسانی (متوفی ۱۳۰۳ق/ ۱۸۸۵م) عارف کامل و از مشایخ سلسله ذهبیه که در بقعة علی بن سهل مدفون است و از تاریخ تولد و زندگی وی اطلاعی در دست نیست؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۸۶.



۱۳۰۳ [الهجرية].

و قريب منه في خارج البقعة، منار عظيم طويل، يسمي عندهم بمنار «غبار سوخته» عتيق جداً، يوشك أن يكون من آثار سلطان سنجر.

ثم اذا وردت من باب طوقچی البلد، على يمينك قبر صاحب بن عباد^۲، في بقعة^۳ مخصوصة به، و قريب على يسارك بقعة فيه قبر يسمي عندهم ب«شاه مير اسد».

و قريب منه بقعة فيه قبر بابا قاسم^۴، احد الباءات المدفونين باصفهان و فوق بابها من الخارج كتيبة عبارتها انه عمر هذه البقعة، سليمان بن ابي الحسن طالوت الدامغاني في شهر سنة ۵۷۴۱ [الهجرية].

و بجانب هذه البقعة قبر الخطيب^۶ و منقوش على حائط القبر:

سال وفات خطيب رفت چو هفتاد روز

۱. در منابع تاریخ اصفهان که در اختیارم بود، مناره‌ای با این نام و نشان نیافتم، ولی جابری در فصل مربوط به محله طوقچی، نوشته است که در بیرون طوقچی (احتمالاً گورستان طوقچی) مناره‌ای به ارتفاع ۳۷ متر وجود دارد (تاریخ اصفهان، ص ۶) که احتمال دارد همین مناره باشد. مهدوی نیز، در ذیل «گورستان طوقچی»، اشاره‌ای دارد به مصلای قدیم اصفهان که در عهد سلاجقه، در مجاورت این گورستان بوده (محل فعلی مسجد صاحب‌الزمان)، سپس از مناره‌ای به نام «مناره باغ قوشخانه» نام می‌برد که در محل مصلای، قرار داشته و بعدها به صورت «مسجد باباسوخته» یا «قبا سوخته» در آمده است: تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، مقدمه، ص یه و نک: مساجد، دایرة المعارف بناهای تاریخ ایران در دوره اسلامی، ۲ ص ۵۵؛ آثار ایران، گذار، ۲۳۱/۴-۲۳۳.

۲. ابوالقاسم اسماعیل بن عباد بن عباس بن عباد بن احمد بن ادریس طالقانی، معروف به «صاحب» و «کافی الکفای» (۳۲۶-۳۸۵/ق/۹۳۷-۹۹۵م) کاتب، ادیب و از وزران نامور آل بویه که در بسیاری از علوم چیره‌دست بوده و کتابخانه‌ای داشته است. وی در اصطخریا طالقان دیده به جهان گشود و مدتها از ابن عمید و دیگران دانش آموخت و چون تا آخر عمر ابن عمید مصاحب با او بود و یا چون تا آخر عمر مؤیدالدوله با وی مصاحبت داشت و وزیر وی بود، به «صاحب» ملقب گردید. وی دارای آثار و تألیفاتی مهم در انواع علوم رایج آن روز می‌باشد. او در ۲۴ صفر ۳۸۵، در شهر ری دیده از جهان فرو بست و جنازه او را به اصفهان منتقل و در دالان منزلش در محله طوقچی به خاک سپرده شد: معجم الادباء، ۱۶۸/۶-۳۱۷؛ یتیمه الدهر، ۱۴۹/۳، ۲۱۵؛ نزهة الالباء، ص ۳۹۷؛ انباه الرواة، ۲۰۱/۱-۲۰۳؛ صاحب بن عباد، خلیل مردم بک؛ اعیان الشیعة، ۳۲۸/۳؛ تنقیح المقال، ۱۳۵/۱؛ روضات الجنات، ۱۹/۲-۴۳؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع)، ص ۶۲-۶۳؛ معجم المؤلفین، ۲۷۴/۲-۲۷۵؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۶ و موارد دیگر؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ آثار الوزراء عقیلی، ص ۱۹۷-۲۰۲؛ هدیه العباد، ادیب حبیب آبادی در شرح حال صاحب بن عباد؛ تاریخ قم، ص ۲۰۲ به بعد؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۴-۱۳۷؛ الکنی و اللقب، ۲/۳۵۶؛ ریحانة الادب، ۸۹/۸-۹۶؛ اثر آفرینان، ۴/۵-۶.

۳. مقبره صاحب‌بن عباد، در محله طوقچی و به تعبیر درست‌تر در بیرون دروازه

طوقچی قرار داشته که در قدیم به نام «دریه» و یا «باب دریه» شهرت داشته است. در قدیم مقبره صاحب‌بن عباد نیز، به عنوان «قبة دریه» مشهور بوده است. این مقبره در واقع، در دالان خانه صاحب‌بن عباد که بسیار مجلل و عالی بوده، قرار داشته و او را بنا به وصیت خودش، در همانجا به خاک سپرده‌اند (نک: منابع پیشین).

۴. ابوالقاسم محمد، معروف به «بابا قاسم اصفهانی» (متوفی ۷۴۰ یا ۷۴۱ ق/ ۱۳۳۹-۱۳۴۰م) یکی از هفت بابای معروف مدفون در اصفهان و از عارفان عامه و سنی مذهب که در اصفهان می‌زیسته و مدرسه‌ای نیز به نام او ساخته‌اند. تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی وی نیز، اطلاعات اندکی در دست می‌باشد. وی در اصفهان روی در نقاب خاک کشید و پس از مرگش، شاگرد او سلیمان بن ابوالحسن شرف‌الدین طالوت دامغانی، بقعه و عمارتی شایسته بر مرقد او در ۷۴۱ قمری، بنا نهاد و در سال ۱۰۴۴ قمری، توسط آقاخان فرزند آقاجلال میوه فروش، مرمت شده است. آثار قبر بابا قاسم از بین رفته و در این بنا اکنون جز قبر پهلوان میرزا علی فرزند استاد حیدر، چیز دیگری مشاهده نمی‌شود، قبری محقر، تاریخ ۹۸۵ قمری برجاست: تاریخ اصفهان، ص ۱۱۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۴؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۶۴ یا ورقی و ص ۱۳۳-۱۳۴.

۵. بقعه بابا قاسم، واقع در طرف غرب خیابان هاتف و حدود پانصد متر دورتر از مسجد جامع عتیق، در کوچه باباقاسم، یکی از ناب‌ترین گورهای هنر معماری ایران است که حفظ و صیانت آن برای تاریخ هنر ایران، از اهمیت والایی برخوردار است. در بقعه به طرف شمال است و دارای قطار بندی و کاشی‌کاری بسیار زیبایی است. داخل بقعه و خارج آن دارای تزئینات آجری و کاشی‌کاری است. گنبد آن هرمی شکل هشت ترک است که بر هر ترک آن یکی از اسماء‌الله نوشته شده است. بنای بقعه بر روی یک چهارضلعی قرار دارد و پوشش داخل یان به صورت گنبد نیم‌کروی است. کتیبه نواری شکل که بالای در ورودی بنا وجود دارد، به خط ثلث است که با کاشی معرق سفید بر زمینه آبی پررنگ ساخته شده است. عبارات این کتیبه که به مناسبت ساخت این بقعه نوشته شده به این شرح است: «بتوفیق‌الله الفرد بلاتانی و همة ولیه الربانی القطب الصمدانی، محمد بابا القاسم الاصفهانی، فی اتمام هذه المانی، تشرف العبد الجانی، سلیمان بن الحسن طالوت الدامغانی فی شهر سنة احدى و الاربعة [كذا] و سبعة» که در نوشته حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی و دیگران: «سنة احدى و الاربعین و سبعة» ثبت شده است که همین نیز، درست است.

دیوارهای این بنای هشت ضلعی نیز، با کتیبه‌های دیگری، تزئین شده که عبارتند از: اضلاع شمالی و جنوبی: «الله ربی»، اضلاع شرقی و غربی «اسلام دینی»، اضلاع شمال شرقی و جنوب غربی «محمد نبی»، اضلاع شمال غربی و جنوب شرقی: «علیاً امامی» و کتیبه‌ای حاوی مطالبی درباره انجام تعمیرات بعدی در ۱۰۴۴ قمری، مبین تاریخی که این الحاقات و اضافات متعلق به افعال تشیع است به خط ثلث و به رنگ سفید، بر زمینه آبی تیره، در حاشیه بالای سردر بنا این عبارت نقل شده است: «توفیق یافت عزت... آقاخان بن آقاجلال میوه فروش، در تعمیر گنبد روضه... باباقاسم الاصفهانی فی شهر رجب المرجب سنة ۱۰۴۴، کتبه محمدرضا الامامی»: آثار ایران، گذار، ۲۲۵/۴-۲۲۸؛ آثار ملی اصفهان، ص ۷۸۶-۷۸۹؛ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، مشکوتی، ص ۲۸؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ معماری ایران در عصر ایلخانیان: ص ۱۹۶؛ بناهای آرامگاهی (دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی)، ص ۲۵۵-۲۵۶ و منابع شرح حال بابا قاسم.

۶. در منابع و مصادری که در مورد اصفهان، در اختیار داشتم، این بقعه و صاحب آن که به عنوان «خطیب» معرفی شده، شناخته نشد.



هادی نام و نشان گفت خرد «یا غفور»^۱ و قریب منه فی الشارع، مسجد یعرف ب«مسجد شیشه گری»^۲؛ تاریخ تعمیریه فی بعض کتابته سنه ۱۲۹۰ و فی بعضها سنه ۱۳۳۰ [الهجرية].

و فی وسط طوقچی قبر ملا شمس الدین محمد النصر آبادی^۳ و کانت علی لوح قبره هكذا: «العلامة الزاهد الحكيم المتأله المتوفى سنه ۱۱۵۰ [الهجرية].

و قریب منه قبر المیرزا عبدالله^۴ بن معز الدین محمد^۵، جد آل المعزی فی دزفول و اهواز و کاظمین و من هذه السلسلة، صاحب المقابیس. والمیرزا عبدالله هذا: كان فقیهاً، عالماً، محدثاً و والده معز الدین، كان من علماء من الشاه طهماسب الاول.

لباب سیر یوم الاحد عاشر ربيع الاول سنة ۱۳۵۰.

وردنا صباح الاحد، الروضة الهاروتية^۶، بها قبر منسوب الی هارون بن مولانا موسی بن جعفر و اختلف فی حق هذه البقعة قبل أنها لهارون بن موسی بن جعفر (ع)^۷ كما ذكرنا و قيل أنها لهارون احد الزواة و قيل أنه هارون بن مولانا الجواد (ع)^۸.

و حدثنی الاستاذ فرج الله عن شیخ معمر حدثه قبل عشرين سنة، أنه كان یسمى «آرام ولایت» لأنه قبل أن یدفن هذا الهاشمی، کانت الزلازل باصفهان متعاقبة و لما دفن سکنت تلك، فقيل هذا القبر: «آرام ولایت» و من كثرة الاستعمال، صار هارون ولایت و بالجملة شهادته مسلّمة و كان له صحن منقوش فوق باب صحنه كتيبة فيها تاریخ

۱. کلمه «یا غفور» به حروف ابجد، مساوی با عدد ۱۲۹۷ می باشد که سال مرگ خطیب است.

۲. مسجد شیشه گری، در نزدیکی بقعه باباقاسم قرار گرفته و نیم جریب مساحت آن است: تاریخ اصفهان، ص ۱۲۳.

۳. ملا شمس الدین محمد نصرآبادی (متوفی به سال ۱۱۵۰ ق/ ۱۷۳۷ م) عالم، فاضل و حکیم متأله کامل بوده است که قبر وی در وسط گورستان طوقچی قرار داشته و اکنون از بین رفته است. از وابستگان خاندان نصرآبادی می توان از: میرزا مؤمن نصرآبادی شاعر، ادیب و سیاق دان و آقا نجات علی نصرآبادی (متوفی ۱۲۸۶ ق/ ۱۸۶۹ م) عارف کامل و فرزندش آقا عبدالجبار نصرآبادی (متوفی ۱۳۰۷ ق/ ۱۸۸۹ م) عارف نام برد. تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۸۹؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۹، پاورقی.

۴. در منابع رجالی و تاریخ های مربوط به اصفهان، نام و نشانی از وی نیافتم، ولی چنانکه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، در تعلیقات خویش بر تذکرة القبور آخوند گزی، اشاره کرده اند، وی فقیه، محدث، اصولی و وجه سلسله معزّی ها در دزفول، اهواز و کاظمین و اصفهان بوده است: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۹.

۵. شیخ معز الدین محمد از عالمان و وزیران زمان شاه طهماسب صفوی اول و از بزرگان اصفهان که سال تولد و مرگ وی دانسته نیست. از مشاهیر این خاندان می توان: شیخ اسدالله بن اسماعیل بن اسماعیل دزفولی کاظمی (۱۱۸۶-۱۲۳۴ ق/ ۱۷۷۲-۱۸۱۹ م) از بزرگان فقه های شیعه در عصر خود و صاحب کتاب

معروف «مقابس الانوار» محمد طاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی (۱۲۳۰-۱۳۱۵ ق/ ۱۸۱۵-۱۸۹۷ م) از بزرگان علمای خوزستان ساکن دزفول؛ محمد رضا بن محمد جواد بن محسن معزّی دزفولی متوفی ۱۳۵۲ ق/ ۱۹۳۳ م) از مشایخ آیت الله العظمی مرعشی نجفی؛ شیخ اسماعیل معزّی معروف به «پشتی» (متوفی ۱۳۶۳ ق/ ۱۹۴۴ م)، امام جماعت مسجد سلام در اصفهان را نام برد: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۹.

۶. هاروتیه یا هارون ولایت واقع در محله میدان کهنه (میدان عتیق در برابر میدان شاه - میدان امام فعلی - که آن را میدان جدید می گفته اند) از مقابر تاریخی اصفهان که در عهد صفویه رونقی داشته و مدفن امامزاده هارون بن موسی بن جعفر (ع) و یا از اولاد امام علی نقی (ع) که ساختمان و گنبد و بارگاه وی از آثار باستانی اصفهانی به شمار می رود.

بنای تاریخی هارون ولایت یا هارون ولایت که بقعه و سردر کاشی آن از آثار دوره سلطنت شاه اسماعیل اول و مورخ به سال ۹۱۸ قمری است، از اماکن مقدس و زیارتگاه های عمده شهر اصفهان به شمار می رود که دارای بقعه، ضریح، رواق و یک گنبد کاشی کاری و دو صحن در شمال و مغرب بقعه است.

این بقعه از سمت مغرب به وسیله دری به محوطه کوچکی باز می شود که در اطراف آن حجراتی و جرزها و پشت و بغل های اطراف آن با تزیینات نفیس تزیین شده است. این محلی به وسیله سردر مجلی به صحن شمالی هارون ولایت مرتبط می شود. کتیبه این سردر به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی به این شرح است: «بذکره قد اتفقت عمارة دارالولاية مشهد قبله الاسلام بعیامن فیض بحر وجود جدّه العلیّی الأدی فال التّبی فی شأنه: انت منی بمنزلة هارون من موسی - علیهم السلام - فی ایام خلافة ولیّ الولاية فی الآفاق، مالک سریر الخلافة بالاستحقاق الفسّازی، المجاهد فی سبیل الله و بقاطع البرهان، ناصر المؤمنین ابی المظفر السلطان شاه اسماعیل بهادرخان، لازال ابواب تعمیم الخیرات و لطفه مفتوحة و اقطار الارض بابواب معدلته معصورة و الامصار بسی معمار احسانه معمورة و سعیه للحسنات کان مشکوراً و کتب فی اوایل شهر ربیع الاول من سنة ۹۱۸».

در اصلی ورودی بقعه هاروتیه به صحن شمالی باز می شود و گنبد رواق تجدید ساختمان شده و در اطراف قاعده آن اشعاری است به زبان فارسی، طی الواجی به خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی گچبری شده است و مضمون این اشعار گواه بر تعمیراتی است که در دوره فتحعلی شاه قاجار و حکمرانی محمد حسین خان صدر اصفهانی در بنا به عمل آمده است. ضلع شرقی بنا مشرف به جاده قدیم و روبه روی مسجد علی، شامل یک ایوان با ستون های سنگی و دیوان های کوچکی در اطراف است: آثار ایران، گذار، ۲۴۶/۴-۲۵۰؛ آثار ملی اصفهان، ص ۷۸۴-۷۸۵؛ آثار تاریخی اصفهان، ص ۳۶۰-۳۶۹؛ بناهای آرامگاهی، ص ۲/۷؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص یو-یز مقدمه.

۷. به درستی روشن نیست که منظور از این هارون کیست، برخی گفته اند وی: هارون بن موسی بن جعفر (ع) است که دارای اعقابی در مدینه، نیشابور و قم بوده است (نک: المحدّی، ص ۱۰۷؛ الشجرة المبارکة، ص ۷۷، ۱۰؛ الفخری ص ۲۲) و بعضی نوشته اند که وی: هارون بن احمد بن جعفر بن هارون بن موسی الکاظم (ع) است که در زمان معتصم عباسی در اصفهان شهید شده است: جامع الانساب، ص ۶۱؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ مشاهد العترة الطاهرة، کمونة الحسینی، ص ۲۱؛ بناهای آرامگاهی، ص ۲۱۷.

۸. در بعضی از منابع هم، وی را از نوادگان امام علی نقی (ع) به شمار آورده اند و به گفته جابری انصاری به نقل از آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی، در حاشیه کتاب «روضات الجنّات»: نبیره حضرت امام هادی (ع) است (نک: تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۱۷؛ بناهای آرامگاهی، ۲۱۷).

تعمیره^۱ زمن الشاه اسماعیل ابوالمظفر بهادرخان سنة ۹۱۸ [الهجرية].

و بجنبه مدرسة^۲ عدد حجره عشرة و لها مدرس و مسجد و في داخل الروضة قبر صدر الاسلام^۳، تاريخ وفاته بالشعر هكذا:

سینا پی تاریخ وفاتش گفتا:

«شد قصر جنان مکان صدر الاسلام»

و يوجد فيها و في نواحيها الواح تاريخها يقرب من تسعمائة و في داخل الروضة كئيب تاريخ اتمامها سنة ۱۰۶۷ [الهجرية] و فيها اسم النواب الميرزا محمد مهدي^۴، بخط محمدرضا الامامي.

و قبر الميرزا محمد مهدي، في بقعة هارون و وفاته في حدود سنة ۱۰۶۸ [الهجرية].

و في قدام الروضة، صحن مشتمل على ۱۹ حجر و في وسطه حوض و مسقى و على الروضة قبة خضراء كاشيه و في يمينها مدرسة مشهورة بمدرسة حاج حسن و عدد حجره خمس و عشرون تقريباً و فيه من المساجد ثلاثة و مدرس فوقاني.

و في تجاهها مسجد يسمي بـ «مسجد علي» من ابنية السلطان سنجر المشهور و على رأس بابيه كتيبة باسم الشاه اسماعيل، بخط شمس الدين التبريزي و تاريخ اتمام تلك الكئيب فوق تسعمائة و يظهر منه أنه عمر في عصر الصفوية^۵.

و في المسجد في احد ايواناته الثلاثة لوح حجري منقوش فيه بعض

۱. تعميرات هارونيه، قسمتي از حسين خان، برادر دورميش خان شاملو در دوره پادشاهی شاه اسماعیل و شاه طهماسب اول است در حدود سال‌های ۹۱۸ تا ۹۳۸ قمری... صحن هارونيه را تعميراتی تازه‌تر است که از آن جمله می‌توان حوض و سقاخانه را نام برد که ۲۵ سال پیش از تألیف تاريخ اصفهان جابری است و به گفته وی سرشیرهای سنگی کنار حوض عمارت آینه خانه که هفت دست بود شکستند و اهل خیر به صحن هارونيه آوردند: تاريخ اصفهان، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۲. مدرسه هارونيه در جنب سمت راست هارونيه واقع شده و به گفته جابری، بنای این مدرسه و خود هارونيه، بسی قبل از صفويه بوده است، زیرا سنگ بتی را که سلطان محمود غزنوی از بتخانه سومنات به اصفهان آورده بود در آستانه همین مدرسه، به رو به زمین انداخت و پس از ۵۳۰ سال، آن را دو نیمه کرده و نیمه دیگر آن را در مدرسه میرزا شاه حسین وزیر شاه طهماسب، سنگاپ ساختند، گواه قدمت این مدرسه و بناها هارونيه است. در عهد شاه اسماعیل صفوی، کاشی کاری سردر مدرسه هارونيه، بویژه دو طاووس بالای سردر آن، انجام شده است: تاريخ اصفهان، ص ۱۱۷، ۲۲.

۳. میرزا نصیر ملا باشی معروف به «صدرالاسلام» (متوفی ۱۳۵۶ق/ ۱۹۳۸م) عالم فاضل و بانفوذ اصفهان در زمان ظل‌السلطان که در اصفهان ریاستی داشته است و پس از مرگش وی را در هارونيه به خاک سپرده و ماده تاریخ وفاتش را شاعر اصفهانی متخلص به سینا در قطعه بيتی آورده است که جمله «شد قصر جنان مکان صدر الاسلام» مطابق با تاریخ ۱۳۵۶ قمری است: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۹۳؛ تذکره القبور یا دانشمندان بزرگ اصفهان، ص ۵۲۳؛ تاريخ اصفهان، ص ۳۲۲.

۴. نواب میرزا محمد مهدي حسینی (متوفی حدود ۱۰۶۸ق/ ۱۶۵۸م) عالم فاضل که تاریخ تولد و زندگانی وی دانسته نیست و همین قدر روشن است که در هارونيه، به خاک سپرده شده است: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۹۳؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰۷.

۵. مسجد علی، از مساجد قدیمی و کهن و مهم اصفهان است و علت نامگذاری آن را جابری، چنین شرح داده است که: در کتاب «روضات الجنات» آمده است که مسجد جنب مسجد حکیم را به نام «جوه جوه» (به معنای سینة کشتی) از بناهای صاحب بن عباد است و از شرحی که فروخی از آن مسجد و از منار جنب مسجد، نوشته، احتمال می‌دهد که این همان مسجد مقابل هارونيه بوده است که بعدها شخصی به نام علیشاه آن را تعمیر کرده و تغییر نام داده و به «مسجد علی» شهرت یافته است.

این مسجد اکنون در یکی از خیابان‌های فرعی منشعب از خیابان هاتف، در نزدیکی مسجد جامع و مجاور و مقابل مقبره و بقعه هارونيه یا هارون ولایت واقع شده و به خاطر ویژگی‌های معماری و تزئیناتی، از مساجد مهم اصفهان است. با توجه به مناره‌ای که بازمانده از دوران سلجوقی است و این حقیقت که در دوره صفويه آن را «مسجد سنجریه» می‌نامیدند، می‌توان یقین کرد که مسجدی در دوره سلجوقیان و سلطان سنجر، در این محل، ساخته یا تعمیر شده و به همین علت آن را «مسجد سنجر» می‌نامیده‌اند و پس از ویران شدن آن در ۹۲۹ قمری، در زمان شاه اسماعیل صفوی، میرزا شاه حسین وزیر، مسجد کنونی را جایگزین آن کرده است. در حال حاضر، غیر از مناره که در بطن مسجد علی قرار گرفته، هیچ اثری دیگری از بناهای دوره سلجوقی به چشم نمی‌خورد.

پیتر و دلاواله و شاردن که در ۱۶۱۹ و ۱۶۶۶ میلادی، در اصفهان بوده‌اند، این مناره را به مقبره هارونيه یا هارون ولایت منسوب داشته‌اند.

بنای کنونی مسجد با نقشه چهار ایوانی ساخته شده و دارای سردر، صحن، ایوان، گنبدخانه، شبستان تابستانی و زمستانی که با تزئینات زیبای کاشی معرق و مقرنس کاری و کتیبه‌های تاریخی مزین شده‌اند: تاريخ اصفهان، ص ۱۱۷؛ آثار ملی اصفهان، ص ۷۱۲-۷۱۶؛ تاريخ هنر معماری در ایران دوره اسلامی کیانی، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ آثار ایران، گذار، ۱۵۲/۴-۱۵۷، ۲۵۰-۲۵۵؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۱۹۷-۱۹۹، ۳۶۹-۳۷۵؛ تاریخچه ابنيه تاریخی اصفهان، نیکزاد امیرحسین، ص ۱۰۲-۱۰۴؛ مساجد، ص ۸۸-۸۹؛ جلوه‌های هنر در اصفهان، ص ۳۲۶.

۶. سردر ورودی مسجد علی، در ضلع غربی آن، دارای کاشی‌کاری معرق نفیس و کتیبه تاریخی است. این کتیبه به خط ثلث با کاشی معرق سفید بر زمینه آبی و به نام شاه اسماعیل صفوی و بانی ساختمان و سال اتمام آن ۹۲۹ قمری و به خط شمس‌الدین تبریزی است. ردیف اول این کتیبه، قرآنی و به خط ثلث حنایی رنگ است، بقیه سطوح سردر، با کاشی‌کاری معقلی و خطوط بنایی تزئین و نماسازی شده است. در سال ۱۳۲۳ شمسی، این ورودی تعمیر و اشعاری به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی بر آن نوشته شده است. صحن مسجد، مربع مستطیل و در وسط دارای یک حوض و در چهار ضلع، چهار ایوان است که ایوان جنوبی از دیگر ایوان‌ها وسیع‌تر است و در پشت آن، شبستان گنبددار قرار گرفته است. گنبد این مسجد با ساقه بلند از بیرون با کاشی‌کاری پوشش یافته و از درون دارای مقرنس‌های گچی است. سطوح داخلی گنبدخانه با درگاهها و طاق‌هایی به صورت دو طبقه نماسازی شده که طاق‌های طبقه بالا صورت مربع را به کثیرالاضلاع تبدیل کرده‌اند و گنبد بر آن قرار گرفته است. در پا کار گنبد، کتیبه‌ای سرتاسری، متضمن آیات قرآنی و تاریخ ۹۲۹ قمری کاری شده است: مساجد (دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی) ص ۸۸.

مذهبی است. کتیبه دوم نیز به خط بنایی گچی بر زمینه شطرنجی در مربع‌های بزرگ، حاوی عبارت: «هو الله الذی لا اله الا هو» است؛ کتیبه سوم، به خط کوفی با کاشی فیروزه‌ای مشتمل بر عبارت: «لا اله الا الله، محمد رسول الله؛ کتیبه چهارم در زیر تاج مناره، تکرار جمله: «الملك لله» و سرانجام کتیبه پنجم و فوقانی، به خط کوفی با کاشی فیروزه‌ای بر زمینه لاجوردی، جمله: «لا اله الا الله» است. با توجه به ویژگی‌های معماری مناره به نظر می‌رسد که مربوط به قرن ششم و به احتمال کمتر، قرن هفتم هجری است. مساجد (دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی) ص ۸۸-۸۹، جابری نوشته: «با این که به مقدار سه ذرع از سر منار ریخته باز تقریباً بیست و شش ذرع و نیم ارتفاع دارد.» (نک: تاریخ اصفهان، ص ۱۱۷).

۵. سید نظام الدین محمد معصوم بن سید صفایی بن مرتضی حسینی بهکری ترمذی متخلص به «نامی» (۹۴۴-۱۰۱۹ ق/ ۱۵۳۷-۱۶۱۰ م) شاعر و ادیب در بهکری هند دیده به جهان گشود و در همانجا نیز دیده از جهان فرو بست. دیوان وی نزد سید نورعلی‌شاه معصومی وجود داشته، چنانکه در مقدمه کتاب خود او که به «تاریخ معصومی» یا «تاریخ سند» معروف است و در ۱۳۵۷ قمری، چاپ شده است. او ظاهراً از طرف پادشاه وقت هند به عنوان سفیر به دربار ایران آمده بود: مقالات الشعراء، ص ۷۹۷، طبقات الکبری، ۵۰۰/۲؛ شمع انجمن، ص ۴۶۶؛ تذکره روز روشن، ص ۶۷۹-۶۸۱؛ نتایج الافکار، ص ۷۱۰-۷۱۱؛ منتخب التواریخ یدایونی، ۳۶۴/۳-۳۷۵؛ نگارستان سخن، ص ۱۱۷؛ قاموس الاعلام، ۴۳۲۸/۶؛ صحف ابراهیم، برگ ۳۰۹، ریاض الشعراء والذی داغستانی، برگ ۴۰۸؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۲۵۷/۶؛ هفت آسمان، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ الذریعة، ۲۰/۲، ۱۱۶۶/۴، ۱۰۷۰، ۱۱۶۷، ۱۱۷/۱۲، ۱۶۰/۱۹، ۳۶۴/۲۱؛ مساجد (دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی) ص ۸۸.

۶. میرزا محمد علی حسینی بهکری ترمذی (متوفی ۱۰۲۵ ق/ ۱۶۱۶ م) شاعر و ادیب و برادر میرزا محمد معصوم حسینی نامی. از تاریخ تولد و زندگانی وی اطلاعات بیشتری در دست نیست جز اینکه در اصفهان دیده از جهان فرو بسته و در بقعه هارونیه به خاک سپرده شده است. احتمال دارد وی به همراه برادرش که به عنوان سفارت از هند به نزد شاه عباس آمده بود و بعد وارد اصفهان شد، آمده باشد و در سفر اصفهان نیز همراه برادرش به اصفهان سفر کرده و در آنجا ماندگار شده باشد؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۹۳؛ تذکره القصور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۴.

۷. امامزاده اسماعیل بن زید بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع). از تاریخ تولد، زندگانی و وفات وی در دست نیست و در کتابهای نسب‌شناسی نیز به نام فردی با این نسب برنخوردیم، ولی در برخی منابع نوشته‌اند که او جد سادات طباطبایی‌هاست و با امامزاده اسحاق که در اراضی پایین دروازه مدفون است، قرابت دارد و گویند جدشان در ری مدفون است و معروف به امامزاده حسن، ولی جابری نوشته است که این امامزاده حسن نباید حسن مثنی باشد، زیرا وی در مدینه مدفون است و این امامزاده حسن نیز، یکی از بزرگان و نوادگان امام حسن مجتبی است. سپس می‌افزاید که احتمال دارد یکی یا دو واسطه در سلسله نسب نوشته شده در خط پنجره چوبی امامزاده اسماعیل، از قلم افتاده باشد. امامزاده اسماعیل پدر امامزاده ابراهیم جد سادات طباطبایی می‌باشد. برخی نسب وی را به صورت دیگری نوشته‌اند، اما آنچه مشهور است همین است که در بالا ذکر شد.

اسماعیل، یکی از بزرگان سادات حسینی و از راویان حدیث بوده است و مزار وی از دیرباز مورد احترام و زیارتگاه محبان و دوستداران اهل بیت (ع) ←

موقوفات المسجد و أنه اوقفه الملك اصلان بیک بن رستم سلطان افشار سنة ۹۷۴ [الهجرية] و جعل التولية بيد شيخ الاسلام علياً^۲ و تاريخ اتمام كتابة اللوح سنة ۹۷۷ [الهجرية] بخط موسى.

و في المسجد منار طويل يعرف هو مع المسجد بـ «منار على و مسجد على» تارة و «منار استاد على و مسجد استاد على» [تارة] أخرى.^۴

و يقرب من الهارونية فسحة تسمى بـ «ميدان كهنة» مقابل «ميدان شاه».

و في المسجد قريب المنارة لوح حجري ايضاً منقوش عليه اشعار ناظمها محمد معصوم الحسيني النامي^۵ في عصر الشاه عباس سنة ۱۰۱۳ [الهجرية].

و في بقعة هارون قبر الميرزا على الشاعر^۶، اخو الميرزا محمد معصوم المذكور توفي الميرزا محمد على سنة ۱۰۲۵ [الهجرية].

بقية لباب سير الاحد، عاشر ربيع الاول سنة ۱۳۵۰.

ثم بعد تكميل المناسك بالهارونية ونواحيها، وردنا روضة امامزاده اسماعيل^۷ (ع) و كان لها صحن منقوش، فوق بابها، كتابت

۱. در زیر گنبد خانه و ایوان جنوبی، شبستان زمستانی مسجد، کمی پایین تر از سطح مسجد بنا شده و سبک ساختمان آن جالب است. در ابتدای شروع پلکانی که سطح مسجد را به شبستان زیرین متصل می‌کند، لوح سنگی نصب شده که به خط نستعلیق برجسته، اشعاری بر آن حجاری شده است. در ایوان شرقی مسجد نیز لوح سنگی نصب شده که کتیبه آن حاکی از اقدام ملک اصلان بیک افشار ارسلو، مبنی بر وقف آبی از شهر جرجی کان، به مسجد علی، به تاریخ ۹۷۴ قمری است.

در ضلع شمالی مسجد و بر جرز غربی ایوان، لوحی از سنگ مرمر نصب شده که بر آن به خط نستعلیق، اشعار و عباراتی نوشته‌اند که بر اساس متن عبارات، محمد معصوم الحسینی نامی که از هند به رسالت نزد شاه عباس اول اعزام شده بود، پس از مرخص شدن از حضور شاه به اصفهان آمده و اشعاری را به تاریخ ۱۰۱۳ قمری، نقش کرده است: (منبع پیشین).

۲. در هیچ یک از منابع راجع به شیخ الاسلامی که تولیت اوقاف مسجد علی را به دست داشته، سخنی به میان نیامده است و جز آیت‌الله مرعشی که به نام وی به عنوان علی اشاره کرده، اثری از نام او در مصادر دیگر نیافتیم.

۳. این تاریخ را نیز، جز آیت‌الله مرعشی، کسی دیگر نقل نکرده است.

۴. مناره سلجوقی مسجد علی، به ارتفاع ۴۷/۸۵ متر، در کنار گنبد قرار گرفته و از شکل‌ترین مناره‌های دوره سلجوقی است که با تزئینات آجرکاری و کتیبه‌های متعدد مزین شده است. مدخل این منار در درون مسجد قرار گرفته است. در ارتفاع ۴۰/۳۵ متری، قرنیزی به صورت تاج بیرون زده و بعد از آن، بخش کوچکت‌ر مناره قرار گرفته که در انتهای آن نیز، قرنیز دیگری قرار دارد. قطر خارجی منار در سطح زمین، حدود ۶ متر، ضخامت دیواره آن ۱/۴۵ متر و در انتهای طبقه اول - زیر قرنیز - ۲/۸۶ متر و ضخامت دیواره آن ۵۸٪ متر است که بدین صورت، قطر منار از پایین به بالا به تدریج و با تناسب زیبایی کاهش می‌یابد. در داخل مناره، ستون مرکزی قرار دارد که پلکان حول محور آن به طرف بالا می‌گردد. سطح منار از پایین به بالا به پنج کتیبه مزین است: کتیبه اول در سطح بام مسجد به خط بنایی از آجر برجسته بر زمینه گچی متضمن شعائر

تشمّل علی تعمیر الشاه سلطان حسین الصفوی ایّاه و فیها أنّ المزار لاسماعیل بن زید بن الحسن المثنی بن الحسن - علیه السلام - و تاریخ اتمام الکتاب سنة ۱۱۵۰ [الهجرية] و هذا المزار واقع فی محلة گلپهار، من محلات اصفهان و عدد حجر ذاک الصحن یقرب من اثنتی عشرة و فیہ مدرس و مسجد.

ثمّ وردنا الروضة و كانت فوق باب رواقها کتائب باسم السلطان المزیور، تاریخ اتمامها سنة ۱۱۱۱ [الهجرية] و یظهر منها أنّه عمّرها. و فی عتبة باب الرواق قبور من عصر الصفویة، منها قبر المیرزا ابراهیم المتخلص بـ «طوبی»^۱، و فاته سنة ۱۱۷۴ [الهجرية]. و فی احد رواقاته و قریب الروضة قبر السيد العالم المیر محمد بن المیرلوحی^۲، و فاته سنة ۱۱۱۳ [الهجرية] قریب قبر شعیا النبی (ع).

و قریب قبر شعیا النبی (ع) لوح حجری منصوب فی الجد منقوش فیہ انه قبر سلطان بیگم بنت المیرزا محمد صالح الحسینی الخلیفة سلطانی^۳، و فاتها سنة ۱۱۴۶ [الهجرية] ثالث ربيع الاول و او شاعرة، ادیبة و محدثه بود.

ثمّ فی وسط ذاک الرواق، قبر علیه صخرة مثمّنة علی ما بالبال، منقوش فی احدی سطوحها هذه الکلمات: «فی کتاب اصفاء، أنّ اوّل مسجد کبیر بنی باصفهان، مسجد شعیا، بناه ابوعباس المفتی فی زمن

→ بوده است. وی به اسماعیل دیباج نیز، شهرت دارد.

بقعه امامزاده اسماعیل در حاشیة شرقی خیابان هاتف اصفهانی، در محله گلپار (گلپهار) اصفهان و رویه روی امامزاده جعفر، واقع شده است. در منابع تاریخی نوشته‌اند که در زمان خلافت امیرمؤمنان (ع) در این محله، مسجدی بنا شد و پس از صد و اندی سال و در حدود نیمه قرن دوم هجری، حضرت امامزاده اسماعیل، در کنار این مسجد، به خاک سپرده شد. این مسجد که گویند مرقد شعیای پیغمبر در آن است، براساس کتیبه‌ای به خط نستعلیق، از دوره شاه سلطان حسین صفوی، نخستین مسجد بزرگ ساخته شده در اصفهان است و در این کتیبه آن را «مسجد شعیا» معرفی کرده است. در این کتیبه آمده است که ابوالعباس مفتی، در زمان خلافت علی (ع) آن را بنا نهاد و آلب ارسلان سلجوقی، آن را تعمیر کرد. متن کتیبه که به خط علی نقی امامی و مورخ به سال ۱۱۱۲ قمری است به این شرح است:

«وجدنا فی کتاب اصفاء أنّ اول مسجد کبیر بنی باصفهان، مسجد شعیا و بناه ابوالعباس المفتی فی زمن علی - صلوات الله علیه - و عمره الب ارسلان، بعد نیف و خمسامة. بعد ما غلبها بقوة و قد امر بعمارته فی عام احد عشر و مائة و الف و بعبارة اخرى، هی مرقد شعیا النبی - علیه السلام - علی نقی الامامی، ۱۱۱۲».

به هر حال مجموعهای نفیس از آثار و تزیینات عهد سلجوقی و صفوی در مقبره و بقعه امامزاده اسماعیل مسجد و یا مرقد شعیای نبی (ع) دیده می‌شود. رواق و سرور، صحن و گنبد بزرگ و زیبای امامزاده از نوع گنبد‌های چارسوهای اصفهان است. هر یک در زمان معینی ساخته شده‌اند. اساس تمام ساتمان‌های دیگر متصل به مرقد شعیا و چهارسو و تزیینات فراوان نقاش و کاشی‌کاری و گچبری عهد صفویه، همان مرقد و مقبره امامزاده اسماعیل است.

کتیبه اصلی سرور رواق بقعه به خط ثلث سفید با کاشی معرق، مورخ به سال ۱۰۴۱ قمری است و گواه شروع ساخت بنا در دوره شاه عباس کبیر صفوی و اتمام آن در دوره شاه صفی است. در زمان شاه سلطان حسین صفوی نیز، بنا تعمیر و تکمیل شده است و تزییناتی بر آن افزوده شده است کتیبه سردر رواق به خط محمدرضا امامی به این شرح است: «اتمام هذه العمارة فی ایّام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکبر و مروج مذهب الائمة المعصومین، السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه صفی الموسوی الحسینی الصقوی بهادر خان - خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی كافة العالمین یرّه و عدله و احسانه - فی شهر ذی‌قعدة الحرام فی ۱۰۴۱، کتبه محمد رضا الامامی»: آثار ملی اصفهان، ص ۷۵۰-۷۶۲؛ فضاهای ورودی در معماری سنن ایران، سلطان زاده، ص ۱۸۷؛ آثار ایران، گذار، ۳۴۹/۲-۳۵۱؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، نیگزاد امیر حسین، ص ۹۴-۹۹؛ گنجینه تاریخی اصفهان، هنزفر، ص ۵۲۳-۵۳۴؛ مجله یادگار (در تاریخ امامزاده اسماعیل اصفهان) شماره ۴ آذر ۱۳۲۳، ص ۷۷-۸۰؛ مجله معارف اسلامی (امام زاده اسماعیل - مجموعهای از آثار تاریخی قرن اول تا قرن دوازدهم هجری) شماره ۸ سال ۱۳۴۸، ص ۹۳-۹۹؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۰۱؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۸، ۱۰۸، ۱۰۹؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۸-۱۷۹ و ۱۸۲ و در فائده چهارم در همین صفحه عنوان شده که: مجله گلپهار یا گلپار، منسوب است به جناب سید علی معروف به گلپار که هم عصر شاهرخ بوده او فرزند جلال‌الدین محمد بن حیدر بن شمس‌الدین ابی‌الحسن محمد بن شمس‌الدین ابی‌محمد حسن بن حسین بن قوام الشرف زین‌الدین علی بن شمس‌الدین محمد... بن حسن الاطلس بن علی الاصفهانی امام سجاد (ع) است؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱ مقدمه.

۱. میرزا ابراهیم، متخلص به «طوبی» (متوفی به سال ۱۱۷۴ ق / ۱۷۶۰ م) شاعر و ادیب اصفهانی، تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز، اطلاع چندانی در دست نیست. نک: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۳؛ ریحانة الادب، ۳/۳۶؛ الذریعة، ۹/۶۵۱/۲؛ فرهنگ سخنوران، ۲/۵۹۲/۲؛ اثر آفرینان، ۴/۱۱۱.

۲. سید میرمحمد بن میرلوحی موسوی سبزواری (متوفی ۱۱۱۳ ق / ۱۷۰۱ م) عالم، عارف و محدث. تاریخ تولد وی به دست نیامد. وی دارای کتابی به نام «اوراء العاقلین» است که آقا بزرگ به آن اشاره کرده است. جمعی از اولاد میرلوحی سبزواری در اصفهان و دهات اطراف آن ساکن هستند که سه فامیل به نام او معروفند و آنان عبارتند از: سادات درچه، سادات نجف‌آباد و سادات اسفیرجان (اسفیدواجان) از دهات کرون. نک: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۹؛ الذریعة، ۱/۳۸۸، ۲/۴۲۷، ۲۰۰/۲، ۳۷۳، ۶/۳۸۶، ۷/۲۳۱، ۸/۵۸، ۹/۱۱۸، ۱۱۸، ۹/۱۴۳، ۹۴۸، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۶۲، ۴/۱۵۰؛ طبقات اعلام الذریعة (قرن الحادی عشر) ص ۴۷۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان، ص ۱۸۹، فهرس اعلام الذریعة، ۳/۱۹۴۵.

از این خاندان و شاید برادر او: میر محمد هادی بن میرلوحی موسوی سبزواری است که از علمای مشهور زمان خود بوده و تألیفاتی داشته و آقا بزرگ به کتاب «اربعین» و «صاوال‌العقاید» وی اشاره کرده است. نک: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، همان‌جا؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۸۹؛ طبقات اعیان الشیعة (قرن الثانی عشر) ص ۸۰۱؛ الذریعة، ۱/۴۳۱، ۲/۱۹۸. ۳. نوابه سلطان بیگم، دختر میرزا محمد صالح حسینی خلیفه سلطانی (متوفی به سال ۱۱۴۶ ق / ۱۷۳۳ م) از زنان نامور این خاندان که ادیبه، عالیه و شاعره بود و در سوم ربيع الاول ۱۱۴۶، دیده از جهان فرو بست. نک: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۴.

که به نظر می‌رسد مربوط به دوره سلجوقی است. سطح پایین مناره بسیار ساده است و در بالا با نقوش آجرکاری تزیین شده است. در ارتفاع ۵/۳۰ متری، بعد از پایه، قطر مناره ۲/۶۵ متر است و بر بالای آن در دوره بعدی گلدسته‌ای کاشی‌کاری افزوده‌اند. نک: آثار ایران گذار، ۱۴۸/۴، ۳۰۸-۳۱۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۵۴۷؛ آثار تاریخی جی، هنر فر، ص ۳۶؛ مساجد (دایرةالمعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی)، ص ۸۵-۸۶.

۲. صفی‌الدین میر محمدبن غیاث‌الدین علی زواره‌ای (متوفی به سال ۹۹۵ ق/ ۱۵۸۷ م) از بزرگان علمای زمان خویش که او را محمدبن عمده القضاة نیز می‌خوانند و به «قاضی صفی» شهرت داشت. و قبر وی در ایوان بیرون مقبره امامزاده اسماعیل است. نک: تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۰۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۷۹؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۸۹-۴۹۰؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۳۴؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۶۰۱/۵.

از آثار وی کتاب توقیعات کسری انوشیروان عادل است که از عربی به فارسی ترجمه کرده و بارها در هند، تبریز و تهران چاپ شده، و ترجمه انگلیسی آن در لندن در ۱۳۱۰ قمری، منتشر کرده است.

۳. بقعه جعفریه که مدفن امام زاده جعفر بن سید مرتضی بن سید شمس‌الدین حسن بن عمادالدین حسین بن محمدبن علی بن الحسینی است در حاشیه غربی خیابان هاتف و مقابل کوچه امامزاده اسماعیل واقع شده است و برج گونه‌ای هشت ضلعی از داخل و خارج است. داخل بنا، دیوارهای آجری و تقسیمات نقول خارجی را منعکس می‌سازد. بر روی ضلع‌های شمالی و جنوبی و غربی، پنجره‌هایی قرار دارد. بر روی طرح هشت ضلعی، کاربندی شانزده ضلعی انجام شده که از شیوه دوران سلجوقی تقلید گردیده است و به نوبه خود بر این کاربندی هشت ضلعی، گنبد کم‌خیز آجری با آجرچینی دایره متحد‌المرکز استوار شده است. اما به نظر می‌رسد در ابتدا گنبد هرمی شکل داشته است. نمای خارجی بقعه نیز، آجری ساده است که در هر ضلع، طاقنمایی تیزه‌دار با تناسبی مطلوب ایجاد شده است. پشت بغل‌ها در اصل از آجر سفال بوده است. بر بالای طاقنماهای هشت گانه، کتیبه نخست گنبد به خط ثلث سفید معرق بر زمینی لاجوردی شامل آیه‌الکرسی است که در قسمت آخر آن، سال بنای بقعه چنین آمده است: «فی سنة خمس و عشرين و سبعمائه». در بالای کتیبه مزبور، کتیبه دیگری به خط ساده کوفی، بر زمینی فیروزه‌ای است که بعد از «بسم الله الرحمن الرحیم» آیه ۱۶۴ تا آخر آیه ۱۶۷ از سوره «آل عمران» نقش بسته است. در بالای ورودی بقعه، طاقنمایی است که ردان محل، لوحه‌ای به خط ثلث بر زمینی لاجوردی شامل صلوات بر چهارده معصوم (ع) خوانده می‌شود که مربوط به تعمیرات سال‌های اخیر است. بنای بقعه امامزاده جعفر، در مقایسه با دیگر بناهای برجی همنوع خود، از ظرافت بیشتری برخوردار است. نک: آثار ایران گذار، ۲۲۳/۴؛ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، مشکوتی، ص ۳۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۳۰۰-۳۰۲؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، نیکزاد امیرحسین، ص ۹۳؛ معماری ایران در عصر ایلخانان، ویلبر، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ آثار ملی اصفهان، رفیعی مهر آبادی، ص ۷۶۳-۷۶۵؛ جلوه‌های هنر در اصفهان، دهمشکی، ص ۳۲۹؛ دائره المعارف تشیع، ۲۱۶/۲-۲۱۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۸۱؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۰۹-۱۱۰، ۱۷۰، ۴۱۸؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ید، مقدمه

۴. آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در حاشیه نوشته است: «هكذا حصل لی الظن بعد الجذ البلیغ فی قرائة هذه الکلمة، مع جیل مع الاصحاب و الله الهادی منه و عفی عنه».

علی - صلوات الله علیه - و عمره الب ارسلان بعد نیف و خمسة و قد امر بعمارته فی عام احد عشر و الف (سنة ۱۱۱۱) و بعبارة اخرى، هی مرقد شعیا النبی - علیه السلام - کتبه علی نقی الامامی سنة ۱۱۱۲، انتهى^۱.

ما وجدناه من العباثر علی قبر شعیا و الظاهر ان اصفاء، تاریخ لاصفا احد المؤرخین.

و فی خارج تلک الروضة قبر العالم الجلیل المیر محمد بن المیر غیاث الدین علی الزواری^۲، وفاته سنة ۹۹۵ [الهجرية].

ثم ارتحلنا من تلک الروضة البهية قاصدين بقعة تسمى بـ «الجعفرية»^۳، و كان فی صحنه بقعتان، فدخلنا احدهما و كان علیها قبة خضراء مثمثة و كان فی طرف رأس القبر لوح حجري منقوش فیه هذه العباثر و قد نقلناها بعینها: «هذا قبر السيد المعظم الموقر الممكن المكرم، صاحب السیف و القلم منبع الجود و الخلق و الكرم، المتحلّي بمحاسن الشیم، سید الصدور و السادة، ینبوع السعادة و السیادة مفخر اولاد البتول، قدوة آل الرسول، نظام الطالبية، شمس العترة، جمال اهل بیت المصطفی، سلالة اعیان ابناء المرتضی، مالک اصحاب السخاء و الفتوة و معدن ارباب الشهامة و المروءة، بهلوان^۴ العراق، نبوی الشامائل و جمیل الاخلاق، کریم الزمان علی الاطلاق، محرز المناصب بالاستحقاق، المرحوم المغفور، السید الشهدید، تاج الملة و الدین، عماد الاسلام و المسلمین، اشرف ابناء الماء و الطین، جعفر بن السید المعظم، المرتضی المکرّم الانور الازهر الاطهر الامجد، مفخر

۱. مسجد شعیا و یا مرقد و مقبره شعیای پیامبر، در جوار مجموعه بناهای امامزاده اسماعیل، واقع شده است و طبق مدارک موجود در معماری آن، مربوط به دوره سلجوقیان است. گویا به هنگام رواج اسلام در اصفهان ظاهراً در همین محل که به نام «خوشنان» شهرت داشته، مسجدی بنا شده بود که اکنون هیچ اثری از آن باقی نمانده است.

برخی نوشته‌اند که: «جامع خوشینان، نخستین مسجد بود که به اصفهان بنا کردند در اسلام و بنا آن ابوحناس مولی... عمر بن خطاب کرد، در خلافت علی بن ابی طالب - علیه السلام».

بر جانب مرقد شعیا نیز، کتیبه‌ای به خط نستعلیق علی نقی امامی مورخ ۱۱۱۲ هـ.ق ثبت است که این مسجد را اولین مسجدی معرفی می‌کند که در اصفهان توسط ابوعباس مفتی در روزگار خلافت علی بن ابی طالب (ع) ساخته شده است.

مسجد فعلی شعیا، کوچک و بسیار ساده است و تنها در ضلع جنوبی آن، محرابی با تزیینات و کتیبه‌هایی کاشی‌کاری شده، مورخ ۱۱۰۰ قمری، به خط محسن امامی وجود دارد. در داخل این محراب، محراب کوچک‌تری از سنگ مرمر شفاف بسیار نفیس است و بر آن، شعایر مذهبی حجاری کرده‌اند. در ضلع شرقی مسجد، شبستان وجود دارد که در دوره اخیر تجدید ساختمان شده و بر طبق کتیبه گجبری محراب آن که به خط عبدالحمید اوهمی و مورخ ۱۱۱۵ قمری است. از مسجد قدیمی شعیا در شمال غربی امامزاده اسماعیل، چند باطاق قدیمی با طاق‌هایی که بعداً بر آنها نهاده شده و بقایا مناره‌ای بر جای مانده

آل طه و یس، نتیجه اولاد سید المرسلین، شمس الدین الحسن بن السید المغفور عمادالدین الحسین بن محمد بن علی بن الحسین^۱ - تغمد الله بغفرانه و اسکنه بجبوحه جنانه و ادام سعادتہ - توفی منتصف محرم من سنة خمس و عشرين و سبعمأة^۲ انتهى.

و كانت اطراف قبته المثمنة كئاثب و تاريخها عشرين و سبعمأة.

وفي ذاك الصحن حجرة ثانية تجاه الحجر المذكورة، قبر السيد المرتضى الشهيد بن عماد الدين الحسن بن الحسين بن محمد بن علی بن الحسین^۳. انتهى. واختلف في حقه، فقيل: أنه ابوالسيد جعفر المزبور و قيل: اخوه و علی رأس القبر لوح حجري مستور في التراب^۳.

و في صحن الجعفرية قبر آخوند ملاحسين الكاشي المتوفى سنة ۱۱۹۰ [الهجرية] و كان من الفقهاء و المحدثين.

۱. در کتاب بناهای آرامگاهی نوشته است: «بر اساس سنگ قبر امام زاده، نام صاحب مرقد، جعفر بن سید مرتضی است و نسبش به حسن بن حسین بن محمد بن علی بن حسین - علیه السلام - می‌رسد. در حالی که بر اساس قرائت آیت‌الله مرعشی نجفی که عین عبارت سنگ قبر را آورده، پس از نام حسین در پایان نسب «... علی بن الحسین» عبارت «تغمد الله بغفرانه...» آمده است و گرچه این عبارت به سید جعفر باز می‌گردد، اما هیچگاه در بین شیعه رسم نیست که نام ائمه - علیهم السلام - برده یا نوشته شود و به دنبال نام آنان - علیهم السلام - یا - علیهم السلام - نیاید. از اینجا معلوم می‌شود که منظور نام حسین در پایان نسب، نباید نام امام حسین (ع) باشد. اتفاقاً در «تاریخ اصفهان» مطلبی آمده است به این صورت که سید جعفر «با امام زاده احمد، از نژاد حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - می‌باشد» و بر این مبنا وی از نوادگان امام باقر (ع) است نه امام سجاد (ع).

آیت‌الله مرعشی در حواشی بر کتاب «تذکره القبور» آخوند گزی نوشته است که: «متأسفانه به مناسبت جهالت و نادانی، مردم توجهی بدو ندارند و حال آنکه در آن دو بقعه می‌باشد که صاحبان آن از علمای زمان خود بوده و به مرتبه شهادت رسیده‌اند، یکی از آنها سید جعفر شهید می‌باشد که در پانزده رمضان ۷۲۸ کشته شده است و بقعه دیگر از پدر وی می‌باشد.» و از عبارات نوشته شده بر سنگ قبر مانند «الشهید» و «صاحب السیف و القلم» چنین استفاده می‌شود که سید جعفر عالمی بزرگوار و مجاهد فی سبیل الله بوده و دارای شمشیر و قلم و فردی شجاع و پهلوان و رشید. جابری نوشته است: «پدر و پسر هر دو را شهید می‌دانند و مقاماتی شامخ و القابی عالی، برای آنها رقم می‌نمایند و تاریخ سنگ ۷۲۵ است و آن سنگی کم‌نظیر و یگانه است. حال این سنگ و بنا را بعد نمود یا [در] همان [وقت] شهادتش، معین نیست، چون آن زمان، سلطان ابوسعید بهادرخان شیعه بود و امیر حسین چوپان، اسپهان را در حوزه امارت درشت، معلوم شود، شهادت آنها خیلی سالها پیش بوده، آنها نظر به تشیع، این بنا را کرده‌اند.

نکته دیگری که در اینجا قابل ذکر است آنکه سید مصلح‌الدین مهدوی در تعلیقات حواشی، بر «تذکره القبور» آخوندگزی، نوشته است که: «و آنچه آقای نجفی حدس زده‌اند که برادر او می‌باشد بی‌مورد است!» گویا ایشان عبارت آیت‌الله مرعشی را درست ندیده‌اند، زیرا معظم‌له، حدس زده‌اند که مدفون در بقعه دوم برادر سید جعفر است، بلکه نوشته‌اند: «... واختلف في حقه، فقيل: أنه ابوالسيد جعفر المزبور و قيل: اخوه» که ایشان فقط به نقل قول دیگران پرداخته و خود حدسی زده و هر دو مسئله را بیان کرده‌اند: تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۰۹-۱۱۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۸۱؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۰۸.

۲. نک: تاریخ اصفهان، ص ۱۱۰؛ رجال اصفهان، ص ۱۸۱.

۳. نک: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۸۱؛ تذکره القبور یا دانشمندان، ص ۲۷۹.

